

تخت جمشید



نمایی از «کاخ آینه» در تخت جمشید

تختِ جَمَشید یا پارسه نام یکی از شهرهای باستانی ایران است که سالیان سال پایتخت تشریفاتی امپراتوری ایران در زمان دودمان هخامنشیان بوده است. باور تاریخدانان بر این است که اسکندر مقدونی سردار یونانی در ۳۳۰ پیش از میلاد، به ایران حمله کرد و تخت جمشید را به آتش کشید^[۱] و احتمالاً بخش عظیمی از کتابها، فرهنگ و هنر هخامنشی را با اینکار نابود نمود. با این حال ویرانه‌های این مکان هنوز هم در مرودشت در نزدیکی شیراز مرکز استان فارس برپا است و باستان شناسان از ویرانه‌های آن نشانه‌های آتش و هجوم را بر آن تایید می‌کنند.

این مکان از سال ۱۹۷۹ یکی از آثار ثبت شده^۱ ایران در میراث جهانی یونسکو است.

نام تخت جمشید

نام تخت جمشید در زمان ساخت «پارسه»^[۲] به معنای «شهر پارسیان» بود. یونانیان آن را پرسپولیس (به یونانی یعنی «پارسه‌شهر») خوانده‌اند. در فارسی معاصر این بنا را تخت جمشید یا قصر شاهی جمشید پادشاه اسطوره‌ای ایران می‌نامند که در شاهنامه فردوسی نیز آمده است.

چگونگی ساخت

قدیمی‌ترین بخش تخت جمشید بر پایه یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به سال ۵۱۵ پیش از میلاد است. آنگونه که در منابع متعدد و گوناگون تاریخی آمده‌است ساخت تخت جمشید در حدود ۲۵ قرن پیش در دامنه غربی کوه رحمت، به عبارتی میترا یا مهر و در زمان داریوش بزرگ آغاز گردید و سپس توسط جانشینان وی با تغییراتی در بنای اولیه آن ادامه یافت. بر اساس خشت‌نوشته‌های کشف شده در تخت جمشید در ساخت این بنای با شکوه معماران، هنرمندان، استادکاران، کارگران، زنان و مردان بی‌شماری شرکت داشتند که علاوه بر دریافت حقوق از مزایای بیمه کارگری نیز استفاده می‌کردند. ساخت این مجموعه بزرگ و زیبا بنا به روایتی ۱۲۰ سال به طول انجامید.

مکان و چگونگی سازه



یکی از سرستون‌های پیشنهادی که مورد تایید قرار نگرفته بود به همین دلیل در آن محل مدفون شده بود

کاخ‌های تخت جمشید در نزدیکی رود کوچک پلوار که به رود کر می‌ریزد، بر روی سکویی که ارتفاع آن بین ۸ تا ۱۸ متر بالاتر از سطح جلگهٔ مردوشت است، بنا شده‌اند در حالی که طرف شرقی آن بر روی کوه رحمت است و سه طرف دیگر با دیوارهای حافظ شکل داده شده‌اند. دیوارهای حافظ با توجه به شیب زمین تغییر ارتفاع می‌دهند.

وسعت کامل کاخ‌های تخت جمشید ۱۲۵ هزار متر مربع است که^[۳] از بخش‌های مهم زیر تشکیل یافته است:

- کاخ‌های رسمی و تشریفاتی تخت جمشید (کاخ دروازه ملل)
- سرای نشیمن و کاخ‌های کوچک اختصاصی
- خزانهٔ شاهی
- دژ و باروی حفاظتی

پژوهش‌های باستان‌شناسی

اولین کاوش‌های علمی در تخت جمشید توسط ارنست امیل هرتزفلد المانی در ۱۹۳۱ صورت گرفت. وی توسط مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو فرستاده شده بود. یافته‌های وی هنوز در این موسسه نگه داری می‌شوند. هرتزفلد معتقد بود دلیل ساخت تخت جمشید نیاز به جوی شاهانه و باشکوه،^[۴] نمادی برای امپراتوری پارس و مکانی برای جشن گرفتن وقایع خاص به خصوص نوروز بوده است. به دلایل تاریخی تخت جمشید در جایی که امپراتوری پارس پایه گذاشته شده بود ساخته شده است. هر چند در زمان مرکز امپراتوری نبوده است.

معماری تخت جمشید به دلیل استفاده از ستون‌های چوبی مورد توجه قرار گرفته است. معماران تخت جمشید فقط زمانی از سنگ استفاده کرده‌اند که بزرگترین سروهای لبنان یا ساچ‌های هند اندازه‌های لازم برای تحمل سقف را نداشته‌اند.^[۵] در حالی که ته ستون‌ها و سر ستون‌ها از سنگ بوده‌اند.

پلکان‌های ورودی سکو و دروازهٔ ملل

ورود سکو، دو پلکان است که روبروی یکدیگر و در بخش شمال غربی مجموعه قرار دارند که همچون دستانی است که آرنج خویش را خم کرده و بر آن است تا مشتاقان خود را از زمین بلند کرده و در سینه خود جای دهد. این پلکان‌ها از هر طرف ۱۱۱ پلهٔ پهن و کوتاه (به ارتفاع ۱۰ سانتیمتر) دارند. بر خلاف عقیده بسیاری از مورخین که مدعی بودند ارتفاع کم پله‌ها به خاطر این بوده که اسب‌ها نیز بتوانند از پله‌ها بالا بروند، پله‌ها را کوتاه‌تر از معمول ساخته‌اند تا راحتی و ابهت میهمانان (که تصاویرشان با لباس‌های فاخر و بلند بر دیوارهای تخت جمشید نقش بسته) هنگام بالا رفتن حفظ شود. بالای پلکان‌ها، بنای ورودی تخت جمشید، «[دروازه بزرگ]» یا «[دروازه خشایارشا] دروازهٔ خشایارشا» یا دروازه ملل، قرار گرفته است. ارتفاع این بنا ۱۰ متر است. این بنا یک ورودی اصلی و دو خروجی داشته است که امروزه بقایای دروازه‌های آن برجاست. بر دروازهٔ غربی و شرقی طرح مردان بالدار و بر و طرح دو گاو سنگی با سر انسانی حجاری شده است. این دروازه‌ها در قسمت فوقانی با شش کتیبهٔ میخی تزیین یافته‌اند. این کتیبه‌ها پس از ذکر نام اهورامزدا به اختصار بیان می‌کند که: «هر چه بدیده زیباست، به خواست اورمزد انجام پذیرفته است.»^[۶]

دو دروازه خروجی یکی رو به جنوب و دیگری رو به شرق قرار دارند و دروازه جنوبی رو به کاخ آپادانا، یا کاخ بزرگ بار، دارد.

پلکان‌های کاخ آپادانا



جزئیات حجاری‌های پلکان روبه‌شمال کاخ آپادانا که نظامیان هخامنشی را نمایش می‌دهد. کاخ آپادانا در شمال و شرق دارای دو مجموعه پلکان است. پلکان‌های شرقی این کاخ که از دو پلکان - یکی رو به شمال و یکی رو به جنوب - تشکیل شده‌اند، نقوش حجاری‌شده‌ای را در دیوار کناره خود دارند. پلکان رو به شمال نقش‌هایی از فرماندهان عالی‌رتبه نظامی مادی و پارسی دارد در حالی که گل‌های نیلوفر آبی را در دست دارند، حجاری شده‌است. در جلوی فرماندهان نظامی افراد گارد جاویدان در حال ادای احترام دیده می‌شوند. در ردیف فوقانی همین دیواره، نقش افرادی در حالی که هدایایی به همراه دارند و به کاخ نزدیک می‌شوند، دیده می‌شود.

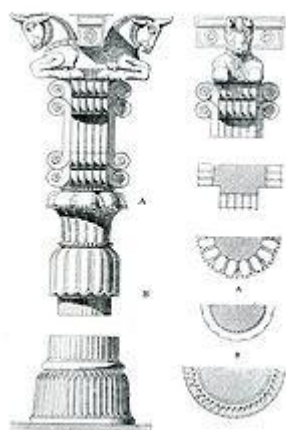
بر دیوارهٔ پلکان رو به جنوب تصاویری از نمایندگان کشورهای مختلف به همراه هدایایی که در دست دارند دیده می‌شود. هر بخش از این حجاری اختصاص به یکی از ملل دارد که در شکل زیر مشخص شده‌اند :

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴		

- ۱- مادی‌ها ۲- ایلامی‌ها ۳- پارت‌ها ۴- سغدی‌ها ۵- مصری‌ها ۶- باختری‌ها ۷- اهالی سیستان ۸- اهالی ارمنستان ۹- بابلی‌ها ۱۰- اهالی کلیکیه ۱۱- سکا‌های کلاه‌تیزخود ۱۲- ایونی‌ها ۱۳- اهالی سمرقند ۱۴- فنیقی‌ها ۱۵- اهالی کاپادوکیه ۱۶- اهالی لیدی ۱۷- اراخوزی‌ها ۱۸- هندی‌ها ۱۹- اهالی مقدونیه ۲۰- اعراب ۲۱- آشوری‌ها ۲۲- لیبی‌ها ۲۳-

اهالی حبشه

کاخ آپادانا



پلان و جزئیات ستون‌های تخت جمشید

کاخ آپادانا از قدیمی‌ترین کاخ‌های تخت جمشید است. این کاخ که به فرمان داریوش بزرگ بنا شده است، برای برگزاری جشن‌های نوروزی و پذیرش نمایندگان کشورهای وابسته به حضور پادشاه استفاده می‌شده است.

این کاخ توسط پلکانی در قسمت جنوب غربی آن به «کاخ تچرا» یا «کاخ آینه» ارتباط می‌یابد. کاخ آپادانا از ۷۲ ستون تشکیل شده است که در حال حاضر ۱۴ ستون آن پابرجاست که ستونهای ایوان کاخ گرد ولی که ستونهای داخل کاخ مربع شکل می‌باشد

کاخ تچر

تچر یا تچرا به معنای خانه زمستانی می‌باشد. این کاخ نیز به فرمان داریوش کبیر بنا شده و کاخ اختصاصی وی بوده است. روی کتیبه‌ای آمده: «من داریوش این تچر را ساختم.» این کاخ یک موزه خط به شمار می‌رود از پارسی باستان گرفته در این کاخ کتیبه وجود دارد تا خطوط پهلوی بالای ستون‌ها از نمای جلویی‌های مصری استفاده شده است. قسمت اصلی کاخ توسط داریوش بزرگ و ایوان و پلکان سنگی جنوبی توسط خشایارشا و پلکان سنگی غربی توسط اردشیر دوم بنا شده است

کاخ هدیش

این کاخ که کاخ خصوصی خشایارشا بوده است در مرتفع‌ترین قسمت صَفَهٗ تخت جمشید قرار دارد. این کاخ از طریق دو مجموعه پلکان به کاخ ملکه ارتباط دارد. احتمال می‌رود آتش سوزی از این مکان شروع شده باشد به خاطر نفرتی که آنتی‌ها از خشایارشا

داشتند به خاطر به آتش کشیده شدن آتن به دست وی. رنگ زرد سنگ‌ها نشان دهنده تمام شدن آب درون سنگ‌ها به خاطر حرارت است. اینجا مکان کوچکی بوده ۶*۶ ستون قرار داشته‌است. به خاطر ویرانی شدیدی که شده اطلاعات زیادی در مورد این کاخ در دسترس نیست خیلی‌ها از اینجا به عنوان کاخ مرموز نام برده‌اند. هدیش به معنای جای بلند میباشد و چون خشایارشا نام زن دوم او هدیش بوده‌است نام کاخ خود را هدیش میگذارد این کاخ در جنوبی‌ترین قسمت صفا قرار دارد و قسمت‌های زیادی از کف از خود کوه میباشد

کاخ ملکه

این کاخ توسط خشایارشا ساخته شده‌است و به نسبت سایر بناها در ارتفاع پایین‌تری قرار گرفته‌است. بخشی از این کاخ در سال ۱۹۳۱ توسط شرق‌شناس مشهور، پرفسور ارنست امیل هرتزفلد، خاکبرداری و از نو تجدید بنا شد و امروزه به عنوان موزه و اداره مرکزی تأسیسات تخت جمشید مورد استفاده قرار گرفته‌است.

ساختمان خزانۀ شاهنشاهی

این ساختمان که از چندین تالار، اطاق و حیاط تشکیل شده‌است با دیوار عظیمی از بقیه تخت جمشید جدا می‌شود.

کاخ صدستون

وسعت این کاخ در حدود ۴۶۰۰۰ مترمربع است و سقف آن به وسیله ۱۰۰۰ ستون که هر کدام ۱۴ متر ارتفاع داشته‌اند، بالا نگه داشته می‌شده‌است.

کاخ شورا

به این مکان کاخ شورا یا تالار مرکزی می‌گویند. احتمالاً شاه در اینجا با بزرگان به بحث و مشورت می‌پرداخته‌است. با توجه به نقوش حجاری شده، از یکی از دروازه‌ها شاه وارد می‌شده و از دو دروازه دیگر خارج می‌شده‌است. به این دلیل به این جا کاخ شورا می‌گویند که در اینجا دوسر ستون انسان وجود داشته که جاهای دیگری نیست و سر انسان سمبل تفکر است.

آرامگاه‌های شاهنشاهان

در فاصله ۶ و نیم کیلومتری از تخت جمشید نقش رستم قرار دارد. در نقش رستم آرامگاه‌های شاهنشاهانی مانند داریوش بزرگ ، خشایارشا ، اردشیر یکم و داریوش دوم واقع است. آرامگاه پنجمی هم هست که نیمه کاره باقی مانده و احتمالاً متعلق به داریوش سوم است.

سرانجام تخت جمشید



پلکان ورودی کاخ آپادانا

مجموعه کاخ‌های تخت جمشید، در سال (۳۳۰ پیش از میلاد) به دست اسکندر مقدونی به آتش کشیده شد و تمام بناهای آن به صورت ویرانه در آمد. ^[نیازمند منبع] از بناهای برجای مانده و نیمه ویرانه، بنای مدخل اصلی تخت جمشید است که به کاخ آپادانا معروف است و مشتمل بر یک تالار مرکزی با ۳۶ ستون و سه ایوان ۱۲ ستونی در قسمت‌های شمالی، جنوبی و شرقی است که ایوان‌های شمالی و شرقی آن به وسیله پلکان‌هایی به حیاط‌های مقابل متصل و مربوط می‌شوند. بلندی صدفه در محل کاخ آپادانا ۱۶ متر و بلندی ستون‌های آن ۱۸ متر است. این مجموعه در فهرست آثار تاریخی ایران و نیز در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

سنگ‌نبشته‌ها

سنگ‌نبشته‌های داریوش بزرگ

- شش رَج به سه زبان چندین بار روی چهارچوب‌های اندرونی کاخ داریوش، بالای نگاره‌های داریوش و همراهانش آمده‌است. «داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر ویشتاسپ هخامنشی، کسی که این کاخ را ساخت»

- یک رَج به سه زبان روی پوشاک داریوش؛ هم اکنون در بخش نشان‌های نسک‌خانه^۱ میهنی پاریس نهاده‌است. «داریوش شاه بزرگ، پسر ویشتاسپ هخامنشی»

- رَج به سه زبان، هجده بار روی رخبام پنجره^۲ همان اندرونی کاخ داریوش بسامد شده‌است. «رخبام پنجره سنگی ساخته شده در کاخ داریوش شاه»

- بیست و چهار رَج تنها به زبان پارسی باستان، روی دیوار جنوبی کاخ داریوش. ۰۱ اهورامزدا بزرگ، بزرگ‌ترین بغان، او داریوش شاه را آفرید، او شهریار را به او ارزانی داشت؛ بخواست اهورامزدا داریوش شاه است. ۰۲ داریوش شاه گوید: این کشور پارس که اهورامزدا به من ارزانی داشت، زیبا، دارنده اسبان خوب، دارنده^۳ مردان خوب، به خواست اهورامزدا و نیز من داریوش شاه، از دیگری نمی‌ترسد. ۰۳ داریوش شاه گوید: اهورامزدا مرا یاری کند، با بغان خاندان شاهی و این کشور را اهورامزدا از دشمن، از خشک‌سالی، از دروغ بپاید! به این کشور نه دشمن، نه خشک‌سالی، نه دروغ بپاید؛ این را من چون بخشایشی از اهورامزدا با بغان خاندان شاهی درخواست می‌کنم. باشد که این نیکی را اهورامزدا با بغان خاندان شاهی به من بدهد.

- به زبانهای ایلامی و اکدی هر کدام بیست و چهار رَج. نوشته^۴ پارسی باستان ندارد. ۰۱ من داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای بسیار، پسر ویشتاسپ هخامنشی هستم. ۰۲ داریوش شاه گوید: به خواست اهورامزدا این‌ها هستند کشورهای که من افزون بر مردم پارسی، از آن خود کردم، که از من

ترسیدند و به من باژ دادند: ایلام، ماد، بابل، اربابیه، آشور، مسر، ارمنیه، کبدوکیه، سارد، ایونی‌هایی خشکی و (آن‌ها) که کنار دریا هستند، و کشورهایی که آن سوی دریا هستند، اسگرتیا، پارت، زرنگ، هرات، بلخ، سغد، خوارزم، تنگوش، رخج، سند، گندار، سک، مک. ۰۳ داریوش شاه گوید: اگر اینگونه بیندیشی «از دیگری نترسم» این مردم پارس را بیای؛ اگر مردم پارس پاییده شوند، از این پس شادی پیوسته به دست اهورا بر این خاندان فرو خواهد رسید.

- سه زبانه، پارسی باستان ده رَج، ایلامی هفت رَج و اکدی هشت رَج، روی دو لوح طلایی و دو لوح سیمین که هم اکنون در تهران نگه‌داری می‌شوند. ۰۱ داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر ویشتاسپ هخامنشی. ۰۲ داریوش شاه گوید: این است شهریاری که من دارم، از سکا‌های آن سوی سغد، از آن جا تا کوش (اتیوپی)، از هند، از آن جا تا سارد، که آن را اهورامزدا؛ بزرگ‌ترین بغان بر من ارزانی داشت. اهورامزدا مرا و خاندان مرا بیاید.
- سه زبانه هر زبان یک رَج، روی دست‌گیره^۵ دری از سنگ لاجورد ساختگی.
«دست‌گیره^۵ در از سنگ گران‌بهایی ساخته شده در کاخ داریوش شاه»^[M]

سنگ نوشته‌های خشایارشا:

- خدای بزرگ اهورامزدا است، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که آدم را آفرید، که شادی را برای آدم آفرید، که خشایارشا را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرمان‌دار از بسیاری.

- من خشایارشا، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌های دارنده همه گونه مردم، شاه در این زمین بزرگ دور و دراز. پسر داریوش شاه هخامنشی.
- شاه خشایارشا گوید: به خواست اهورامزدا این دالان همه کشورها را من ساختم. بسیار (ساختمان) خوب دیگر در این (شهر) پارس ساخته شد، که من ساختم و پدر من ساخت. هر بنایی که زیبا دیده می‌شود، آن همه را بخواست اهورامزدا ساختم.
- شاه خشایارشا گوید: اهورامزدا مرا و شهریار مرا بپاید و آن چه را که به دست من ساخته شده و آن چه را که به دست پدر من ساخته شده، آن را اهورامزدا بپاید.
- شاه خشایارشا گوید: داریوش را پسران دیگری بودند، ولی چنان که اهورامزدا را کام بود، داریوش، پدر من، پس از خود، مرا بزرگ‌ترین کرد. هنگامی که پدر من داریوش از تخت کنار رفت، به خواست اهورامزدا من بر جای‌گاه پدر شاه شدم. هنگامی که من شاه شدم، بسیار ساختمان‌های والا ساختم. آن چه را که به دست پدرم ساخته شده بود، من آن را پاییدم و ساختمان دیگری افزودم. آن چه را که من ساختم و آن چه که پدرم ساخت آن همه را به خواست اهورامزدا ساختم.
- شاه خشایارشا گوید: پدر من داریوش بود؛ پدر داریوش ویشتاسب نامی بود. پدر ویشتاسب ارشام نامی بود. هم ویشتاسب و هم ارشام هر دو در آن هنگام زنده

بودند، اهورامزدا را چنین کام بود، داریوش، پدر من، او را در این زمین شاه کرد. زمانی که داریوش شاه شد، او بسیار ساختمان‌های والا ساخت.^[۷]

جایگاه کنونی این سازه

در دورهٔ نو و با بازگشت و پیدایش حس میهن خواهی در میان ایرانیان و ارجگذاری به گذشتگان این سرزمین، تخت جمشید اعتبار بسیاری یافت. در زمان حکمرانی خاندان پهلوی در ایران به این بنا توجه فراوانی گردید و محمدرضا شاه پهلوی جشن‌های دوهزار و پانصد سال شاهنشاهی ایران را در این سازهٔ کهن انجام داد. با آغاز رویداد انقلاب اسلامی این سازه را یادگار شاهان خواندند و بسیار مورد بی‌مهری قرار دادند. از جمله آیت الله خلخالی اولین حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب برای تخریب آن عازم شد، اما با مقاومت مردم و پرسنل پارسه ناکام ماند.^[۸] ولی امروزه می‌توان تخت جمشید را نام‌آورترین و دوست‌داشتنی‌ترین سازه در ایران و در میان ایرانیان و همچنین نماد شکوه گذشتگان دانست.

سد سیوند در ۹۵ کیلومتری شمال شیراز، ۵۰ کیلومتری شهر باستانی پارسه و حدود ۱۰ کیلومتری پاسارگاد بر روی رودخانهٔ سیوند ساخته شده است. رودخانهٔ پلوار بین این دو محوطهٔ باستانی ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو (تخت جمشید و پاسارگاد) در کنار آرامگاه کوروش و در دل تنگه بلاغی جریان داد. با آگیری این سد مخالفت‌های بسیاری صورت گرفته است. معترضان به آب‌گیری سد سیوند معتقدند آب‌گیری این سد پیامدهای ناگواری را برای میراث فرهنگی و طبیعی منطقهٔ دشت پاسارگاد و تنگه بلاغی به همراه خواهد داشت.

هنرهای معماری تخت جمشید

یکی از هنرهای معماری در تخت جمشید این است که نسبت ارتفاع سر درها به عرض آنها و همین طور نسبت ارتفاع ستون‌ها به فاصلهٔ بین دو ستون نسبت طلایی است. نسبت طلایی نسبت مهمی در هندسه است که در طبیعت وجود دارد. این نشانگر هنر ابرانیان باستان در معماری است.

سراسر نمای شرقی-غربی از تخت جمشید

مجموعه‌ای از نقل‌قول‌های مربوط به

تخت جمشید

- بازسازی سه بُعدی تخت جمشید
- بازسازی سه بُعدی تخت جمشید
- نمای ماهواره‌ای تخت جمشید
- مدخل تخت جمشید در دانشنامه جهان اسلام

پانویس‌ها

۱. History of Iran: Parse or Persepolis ↑
۲. [Persepolis] – Parsa ↑
۳. ↑ کاشف، ص. ۶
۴. Iranica.com - HERZFELD ↑
۵. Persepolis - Britannica Online Encyclopedia ↑
۶. ↑ کاشف ۶
۷. ↑ ^{۷۰}،^{۷۱} پارسی‌مان - تاریخ
۸. ↑ انقلاب ایران و میراث فرهنگی (راديو زمانه، ۱۸ بهمن ۱۳۸۵)

منابع

- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله). *تاریخ ایران باستان*. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۵،

ISBN ۹۶۴-۳۵۱-۱۹۵-